

هفته ترویج اخلاق نبوی



پیامبر اسلام ﷺ
ویژگی های اخلاقی



بخش دعوت و ارشاد

جمعیت اصلاح افغانستان



ویژگی های اخلاقی

پیامبر اسلام ﷺ

بخش دعوت و ارشاد جمعیت اصلاح

معرفی کتاب:

نام کتاب: ویژگی های اخلاقی پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم

تألیف: دکتور مصطفی سباعی

ترجمه: استاد محسن شیخی

شماره چاپ: اول

تیراژ: «۱۰۰۰۰» ده هزار جلد

تاریخ چاپ: قوس ۱۳۹۶ هـ ش

ناشر: بخش دعوت ارشاد، جمعیت اصلاح افغانستان

حق چاپ محفوظ است

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله وحده أنجز وعده نصر عبده و هزم الأحزاب وحده و الصلاة و السلام على من بُعث رحمة للعالمين بالموصوف بالخلق العظيم الذي جعله الله أسوة للناس اجمعين.

و بعد:

الله عزوجل هر چندگاهی، شخصیتی را از میان انسانها به پیامبری برگزیده و با وحی خویش ایشان را سرفراز می ساخت که در میان همگان از هر نگاه پاکیزه و منزّه بوده و از لحاظ اخلاقی برتر از تمام انسان ها قرار داشته است. تا آنکه تمام انسان ها شیوه زندگی آنها را سرمشق زندگی خویش قرار داده و در هر کاری از آنها پیروی نماید. این انسان های پاکیزه و نیکو فقط انبیای کرام بوده می تواند و بس.

در سلسله بعثت پیامبران، آخرین پیامبر الهی، محمد صلی الله علیه و سلم، به حیث نمونه کامل در پاکیزگی و اخلاق متعالی، برای هدایت تمام انسان ها مبعوث گردید و با این خصوصیت عظیم ایشان را سرفراز گردانید که: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»، «وَإِنكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»، «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»، رسول الله صلی الله علیه و سلم منبع رحمت برای تمام مخلوقات است، زیرا از اخلاق متعالی برخوردار بوده و هر شخص و هر چیز از اخلاق برگزیده ایشان مستفید بودند. و سنت الهی همین است که چنین انسان کامل باید به حیث نمونه و الگوی زندگی انسان ها قرار گیرد.

اگر چهارده قرن قبل از امروز، جوامع انسانی به چنین شخصیت کامل و بزرگ ضرورت داشت، امروز نیز انسانیت حیران و سرگشته نیز به رهبری چنین انسان



بزرگ ضرورت دارد. اما امروز اگر سلسلهٔ بعثت انبیاء قطع گردیده و با بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم دین الهی به پایهٔ تکمیل رسیده است، اما دعوت رسول الله صلی الله علیه وسلم و هدایات و تعلیمات ایشان همچنان تازه و تا قیام قیامت باقی است و یقین داریم که این تعالیم نبوی می تواند که انسان امروز را نیز از هر نوع بدبختی و حیرانی نجات دهد.

جمعیت اصلاح افغانستان تصمیم دارد که در ماه ربیع الأول، که ماه ولادت با سعادت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم می باشد، کمپانی را به هدف معرفی رسول الله صلی الله علیه وسلم، عام ساختن اخلاق ایشان و تشویق مردم به عملی ساختن این اخلاق عالی، به راه اندازد که از ۱۸ قوس سال ۱۳۹۶ هـ ق آغاز یافته و تا ۲۴ قوس همین سال ادامه خواهد یافت. درین راستا وسایل مختلف دعوتی بکار انداخته است که یک نمونه آن همین اکنون در دسترس تان قرار دارد.

پس بیایید! تا درین کمپاین مبارک عملاً سهم گردیده و در تعمیم و ترویج اخلاق نبوی سهم خود را اداء نماییم.

با احترام

دکتور رحمت الله زاهد

مسئول بخش دعوت و ارشاد جمعیت اصلاح افغانستان

اول قوس سال ۱۳۹۶ هـ ش

کابل - افغانستان



محمد صلی الله علیه وسلم بنده و فرستاده خدا

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم رسول خداست، شخصیتی که هیچکس در اندیشه آن نیست که همانند او باشد یا در صفای روح و ارتباط با ملکوت اعلی و دریافت وحی نزدیک به او باشد. شخصیتی که هیچ فردی به پای او نمی رسد و حتی نزدیک به وی هم نمی شود، زیرا خداوند نبوت را به وسیله حضرت محمد صلی الله علیه وسلم به اتمام رساند و شریعت وی را آخرین شریعت قرار داد.

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم کسی است که هر مسلمانی آرزو دارد متصف به اخلاق و پیرو هدایت ایشان باشد و اندکی از صبر، جهاد، زهد، عبادت، فداکاری و ایثار ایشان برخوردار بوده و از خوراک و پوشاک ایشان سرمشقی گرفته باشد. خداوند جل جلاله پیامبرش را با این ستایش بزرگ منزلت بخشیده که: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» [القلم: ۴] به راستی که تو دارای خوی بالایی هستی. بیایید دیوار زمان را بشکافیم تا به آستانه حضرت محمد صلی الله علیه وسلم پیامبر انسانیت برسیم و روح زندگی تابناک را در جامعه‌ای مملو از فداکاری و مردانگی ببینیم.

ویژگی های پیامبر صلی الله علیه وسلم

در باره ویژگی های ایشان گفته اند: ظاهری تابناک و چهره ای نورانی داشت، دارای نوری بود که وی را برتری می بخشید، گام هایش، در حد نیاز بود و آرام و با وقار با قدم های استوار راه می رفت، چشمانش را پایین می انداخت و به زمین بیشتر از آسمان خیره می شد. وقتی با کسی روبرو می شد در سلام کردن از او پیشی می گرفت، بدون نیاز صحبت نمی کرد، سخنش را با نام خدا آغاز و با نام خدا به پایان می برد، سخنانش شمرده شمرده و قاطع بود و در سخنانش گزاف و نقصان راه نداشت، فصیح و بلیغ صحبت می کرد، بیهوده و یاوه نمی گفت و بی فایده لب به



سخن نمی گشود، هرگز از غذایی بدگویی نمی کرد و هیچ وقت به خاطر امور دنیا و یا بخاطر شخص خودش خشمگین نمی شد و به خاطر خودش انتقام نمی گرفت، وقتی خوشحال بود چشمانش را پایین می انداخت و خنده هایش تبسم بود. نیکو منظرترین، زیبا روی ترین، بخشنده ترین و جوانمرد ترین مردمان بود، در بخشش از فقر نمی هراسید و هرگز از وی چیزی طلب نشد که جواب رد دهد و هرگز در بین دو امر مخیر نشد مگر اینکه آسان ترین آن دو را بر می گزید، البته در صورتی که نافرمانی خدا در آن نبود.

حضرت عایشه رضی الله عنها می گوید: اخلاقش قرآن بود. حضرت علی کرم الله وجهه در توصیف پیامبر می گوید: هر که وی را ناگهان می دید دچار ترس می شد و هر کس با او آشنا می شد دوستش می داشت.

زندگی شخصی پیامبر صلی الله علیه وسلم

در پوشیدن لباس و انتخاب غذا سخت نمی گرفت، هر لباسی که برایش دست می داد می پوشید، بیشتر از لباس معمول مردم استفاده می نمود. اما در صورت نیاز برای استقبال هیئت ها یا به مناسبت عید لباس خوب و مناسب می پوشید از هر خوراکی که موجود بود می خورد. اگر گوشت و شیرینی بود تناول می کرد و یا اگر تنها نان و روغن یا سرکه بود از خوردن آنها امتناع نمی کرد و اگر هم خوراکی پیدا نمی شد گرسنه می خوابید و چه بسا از شدت گرسنگی سنگی بر شکمش می بست. برای خواب هم از تشکی چرمی که لیف خرما در آن بود، استفاده می نمود، بر روی حصیری می نشست و چه بسا برای خوابیدن هم به آن بسنده می کرد.

زندگی پیامبر صلی الله علیه وسلم در منزل

در هم نشینی و هم صحبتی با همسرانش شیرین سخن بود، با آنان بسیار گفت و گو می کرد، اخلاق و منش آنان را می پذیرفت و حساسیت و روحیه خاص آنان را در



نظر می گرفت و می فرمود: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ» بهترین شما کسی است که با خانواده اش بهترین باشد.

حضرت عایشه رضی الله عنها می گوید: هیچ وقت خانواده محمد صلی الله علیه وسلم دو روز متوالی از نان گندم سیر نشدند، گاهی یک ماه و گاهی دو ماه می گذشت اما در خانه ما آتش روشن نمی شد و خوراک ما تنها آب و خرما بود. انس رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وسلم زرهش را در گرو می گذاشت تا مقداری جو برای خوراک خانواده اش تهیه کند.

کار کردن پیامبر صلی الله علیه وسلم در منزل

از حضرت عایشه رضی الله عنها در باره کار پیامبر در خانه پرسیدند: پیامبر صلی الله علیه وسلم در خانه چه کارهای را انجام می داد؟ گفت: پیامبر انسانی همچو انسان ها بود کفش های خود را تعمیر می کرد، لباس خود را می دوخت، گوسفند خود را می دوشید، کارهایی که یک مرد در خانه انجام می دهد ایشان نیز انجام می داد و هنگامی که وقت نماز فرا می رسید از خانه بیرون می رفت.

رفتار پیامبر صلی الله علیه وسلم با یارانش

انس خادم رسول الله صلی الله علیه وسلم می گوید: ده سال برای پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم خدمت کردم هرگز نگفتند: آه از دست تو هرگز به خاطر کاری که کرده بودم، نگفتند: چرا چنین کرده ای؟ و در پرداخت مزد هیچگاه ستمی روا نمی داشت.

حضرت عایشه رضی الله عنها می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم هیچگاه با زیر دستان خویش به تندی رفتار نمی کردند و هیچ وقت زنان و خدمتکاران خودشان را تنبیه نکردند.



ابو هريره رضى الله عنه نقل مى كند كه: با رسول الله صلى الله عليه وسلم به بازار رفتيم تا شلواری بخرد، فروشنده خواست دستان پيامبر را ببوسد ولى پيامبر دستش را عقب كشيد و او را از كارش منع كرد و فرمود: (اين كار را عجم ها در مقابل پادشاهانشان انجام مى دهند، من پادشاه نيستم، من مردى از ميان شما هستم) شلواری را برداشت. من خواستم آن را براى پيامبر بردارم ولى اجازه نداد و فرمود: براى حمل هر چيزى صاحبش سزاوارتر است.

پيامبر خدا ﷺ يك بار با گروهى در سفر بودند وقت غذا فرا رسيد، خواستند تا گوسفندى براى خوراكشان آماده كنند، يكى از آنان گفت: سربريدنش با من! ديگرى گفت من هم پوستش را مى كنم. سومی هم گفت: پختنش هم با من. پيامبر صلى الله عليه وسلم نیز فرمودند: من هم هيزم جمع مى كنم، گفتند: اى رسول خدا، ما كارتو را هم انجام مى دهيم. فرمود: مى دانم شما كار من را هم انجام مى دهيد، ولى من دوست ندارم خودم را از شما جدا كنم، زيرا خداوند دوست ندارد هيچكدام از بندگان او خود را از همراهانش جدا كند.

يكى از عادات حضرت محمد صلى الله عليه وسلم اين بود كه عذر خطاكار را مى پذيرفت و هيچكس را با نام و لقبى كه بدش مى آمد صدا نمى زد. اگر از كسى ناشايستى مىديد يا مى شنيد بدون اينكه نام او را بياورد مى فرمود: حال كسانى كه چنين كنند چگونه است؟

و همچنين پيامبر خدا صلى الله عليه وسلم دوست نداشت كسى به خاطر او از جايش برخيزد، هر جا كه خالى بود مى نشست، به بازار مى رفت و مردم را به امانتدارى سفارش مى نمود و آنان را از فريب و خيانت در معامله باز مى داشت.

يكى ديگر از عاداتش اين بود با هر كس كه در مجلس ايشان حضور مى يافت چنان ساده و خنده رو بود كه تصور مى كرد محبوب ترين فرد پيش پيامبر است. در امور

سیاسی و جنگ و امور دنیا با صاحب نظران مشورت می کرد و به نظر ایشان گوش می داد، اگر چه با آن مخالف هم می بود.

خشیت و عبادت پیامبر صلی الله علیه وسلم

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم مراقبت و نظارت خدا را بسیار احساس می کرد و ترس الهی در دل مبارکشان بسیار نمو داشت. ایشان بیشتر اوقات خویش را به عبادت الله سپری می نمود، شب ها بیدار و در حال رکوع و سجده بود. عایشه صدیقه رضی الله عنها در این باره به او می گوید: چرا این همه عبادت می کنی در حالی که خداوند گناهان پیشین و پسین را برای تو آمرزیده است؟ در پاسخ می فرماید: آیا بنده ای سپاسگزار نباشم؟ حضرت محمد صلی الله علیه وسلم خدا را بسیار یاد می کرد، خوردن، نوشیدن، نشستن، برخاستن و شروع تمام کارهایش با نام خدا و «بسم الله الرحمن الرحیم» بود و چون تمام می کرد با «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» آن را به پایان می برد و هرگز از راز و نیاز با خدا خسته نمی شد. نمونه های زیر از جمله دعا های ایشان است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ» پروردگارا! از علمی که بهره نرساند و از عملی که پذیرفته نشود و از دعایی که مستجاب نگردد به تو پناه می برم.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ» پروردگارا! من هر خیری را از تو طلب می کنم، چه آنچه که می دانم و چه آنچه که نمی دانم و پروردگارا از هر شری به تو پناه می برم، چه آنچه که خود می دانم و چه آنچه که خود نمی دانم.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ، وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ»



پروردگارا! از نیست شدن نعمت و دگرگونی عافیت و عذاب ناگهانی ات و همه خشم به تو پناه می برم.

«اللَّهُمَّ جَبِّنِي مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ، وَالْأَعْمَالِ، وَالْأَهْوَاءِ، وَالْأَدْوَاءِ»

پروردگارا! از اخلاق زشت، کردار ناپسند، هوای نفس و درد و رنج ناگوار به تو پناه می برم.

توجه پیامبر صلی الله علیه وسلم به ورزش و بهداشت

پیامبر صلی الله علیه وسلم درونی پاک داشت و به روی زندگی می خندید. با حضرت عایشه رضی الله عنها مسابقه می داد، با (رکانه) کشتی می گرفت، بازی حبشیان را در جشن هایشان تماشا می کرد. به لباس و بهداشت شخصی خود هم خیلی توجه می کرد، بسیار استحمام می نمود و خود را معطر می کرد، اگر از راهی می گذشت مردم از بوی خوش او می فهمیدند که پیامبر صلی الله علیه وسلم از آنجا گذشته است و اگر کسی با ایشان دست می داد بوی خوش او را تا مدتی بر دستان خود احساس می کرد.

مزاح و شوخی پیامبر صلی الله علیه وسلم

پیامبر صلی الله علیه وسلم شوخی سالم را دوست می داشت و به لطیفه زیبا می خندید و با یارانش شوخی می کرد ولی شوخیش راست و حقیقی بود. پیرزنی از انصار پیش پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: دعا کن که خداوند مرا پیامرزد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: مگر نمی دانی پیرزن وارد بهشت نمی شود؟ پیرزن شروع به گریستن کرد، پیامبر ﷺ خندید و فرمود: در آن روز تو دیگر پیر نیستی. مگر سخن خدا را نخوانده ای که: «إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً. فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا. غُرُبًا أَتْرَابًا»



{سورهٔ واقعه ایه ۳۵-۳۷} ما آنان را پدید آورده‌ایم چه پدید‌آوردنی! و ایشان را دوشیزه گردانیدیم، شوی دوست و همسال).

روزی صحرا نشینی پیش پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و از پیامبر خواست برای سفری که در پیش دارد شتری به او بدهد، پیامبر فرمود: من تو را بر بچه شتری سوار می‌کنم گفت: من بچه شتر را چه کار کنم؟ فرمود: مگر شتر بجز بچه چیز دیگری می‌زاید؟

زنی به اسم (ام ایمن) برای نیاز شوهرش پیش پیامبر آمد و پیامبر صلی الله علیه وسلم از او پرسید: همسرت چه کسی است؟ گفت: فلانی. فرمود همان که در چشمش سفیدی هست؟ گفت؟ ای رسول خدا در چشمش سفیدی نیست! فرمود: چرا در چشمش سفیدی است! آن زن زود به نزد همسرش برگشت و به چشمان او خیره شد. شوهرش پرسید: چه کار داری؟ گفت: پیامبر به من فرمود که در چشم تو سفیدی هست، گفت: آیا نمی‌بینی سفیدی چشمم از سیاهی آن بیشتر است؟

جابر بن عبدالله می‌گوید: یک بار خدمت پیامبر صلی الله علیه وسلم رفتم، دیدم که حسن و حسین بر پشتش سوار شده بودند و پیامبر صلی الله علیه وسلم با چهار دست و پا راه می‌رفتند و می‌فرمودند: شتر شما چه شتر خوبی است!

یک از یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم به نام نعیمان بسیار اهل شوخی و شیرین سخن بود و با رسول خدا صلی الله علیه وسلم شوخی میکرد، یکی از شوخی‌هایش این بود که هر وقت وارد مدینه می‌شد چیزی می‌خرید و برای پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌برد و می‌گفت: ای رسول خدا، این را برای تو هدیه آورده‌ام. ناگهان صاحبش می‌آمد و پولش را از نعیمان طلب می‌کرد و نعیمان او را پیش پیامبر می‌برد و می‌گفت: پول جنش را بدهید. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرمود: مگر تو آن را برای من هدیه نیاورده بودی؟ وی می‌گفت: به خدا پول آن را نداشتم ولی

دوست داشتم که تو آن را بخوری. پیامبر ﷺ می خندید و دستور می داد پولش را به او بدهند.

فروتنی و گذشت پیامبر صلی الله علیه وسلم

با مردم همچون رهبری محبوب و متواضع رفتار می کرد، بزرگواری که بزرگیش از اخلاق و رفتارش بود نه از جاه و مقام و نفوذش. همیشه و در تمام مراحل دعوتش انسانی متواضع بود، چه هنگامی که مورد ظلم و ستم قرار گرفته بود و چه بعد از غلبه و پیروزی و چه در زمانی که تنها بود، و چه در اوج مشکلات و سختی ها و چه در قلۀ افتخار و پیروزی، حتی بعد از اینکه بر جزیرۀ العرب غلبه یافت و همه از او فرمانبرداری می کردند.

هنگامی که خداوند مکه را برای او گشود و سپاه قریش پس از بیست و یک سال جنگ و دشمنی در برابرش به زانو در آمدند، در حالی وارد مکه شد که سرش را به نشانه تواضع در برابر خداوند و ستایش به درگاه او پایین انداخته بود. مردان قریش ترسان پیش او آمدند. یکی از آنان پاهایش از ترس می لرزید. پیامبر صلی الله علیه وسلم به او فرمود: راحت باش! من فرزند همان زن قریش هستم که گوشت خشک شده می خورد!

رسول خدا صلی الله علیه وسلم به سخنان برده، پیرزن، بیوه و بینوا به دقت گوش می داد. در سر راه برای هر کس که قصد صحبت با وی را داشت توقف می کرد و هر که را می دید با او دست می داد و دستش را رها نمی کرد تا موقعی که آن شخص دستش را رها می کرد. به یارانش سر می زد، از بیماران عیادت می نمود، در تشییع جنازه آنان شرکت می کرد، به مشکلاتشان گوش می داد و در غم و شادی هایشان شریک بود.

مهربانی و دلسوزی پیامبر صلی الله علیه وسلم

ایشان با کودکان و زنان و بینوایان خیلی مهربان بود یک بار در نماز گریه بچه‌ای را شنید که مادرش پشت سر او مشغول نماز بود، نمازش را کوتاه کرد. در یکی از جنگ‌ها به جنازه زنی برخورد کرد، و سخت ناراحت شد و فرمود: مگر شما را از کشتن زنان منع نکرده بودم؟ این زن با شما نمی‌جنگید! با حیوانات به حدی مهربان بود که ظرف آب را در جلوی گربه قرار می‌داد. یک بار شتر لاغری را دید، فرمود: در مورد این چهارپایان از خدا بترسید و آنها را سیر کنید. این‌ها همه نشانه‌های رحمت و مهربانی و دلسوزی حضرت محمد صلی الله علیه وسلم است.

همدردی پیامبر صلی الله علیه وسلم با مردم

فاطمه رضی الله عنها یک بار از رنج و زحمت کار منزل پیش ایشان شکایت برد و از پدر خواست خدمتکاری به او بدهد. پیامبر قبول نکرد و فرمود: در حالی که اهل صفه (جمعی از بینوایان که در کنار مسجد پیامبر به سر می‌بردند) شکمشان از گرسنگی به هم می‌پیچد، چطور می‌توانم خدمتگار به تو بدهم.

زهد و پارسایی پیامبر صلی الله علیه و سلم

روزی عمر فاروق رضی الله عنه پیش پیامبر صلی الله علیه وسلم رفت، دید که ایشان بر روی حصیری دراز کشیده و جای حصیر بر پهلوی او نمایان است، به خانه پیامبر هم نگاه کرد به جز کیسه‌ای آویزان و کمی جو چیزی نیافت، عمر رضی الله عنه شروع به گریستن کرد، پیامبر فرمود: ای پسر خطاب چه چیز تو را به گریه انداخت؟ گفت: ای رسول خدا چگونه گریه نکنم! این از حصیری که بر پهلوی تو اثر نهاده و آن هم از خانه‌ایکه تمامش همین است که می‌بینم و آن طرف پادشاهان ایران و روم در ناز و نعمت به سر می‌برند، در حالی که تو پیامبر خدا و فرستاده او هستی.



حضرت محمد صلی الله علیه وسلم فرمود: ای پسر خطاب، آیا در آن شکی داری؟ آنان کسانی هستند که همه چیز خود را در دنیا گرفته اند.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه هم در چنین وضعی خدمت پیامبر صلی الله علیه وسلم رسید. به او گفت: چرا اجازه نمی دهید چیزی را برای شما بر روی حصیر بیندازم؟ فرمود: من را به دنیا چه کار؟ مثال من و دنیا، مثال مسافری است که در سایه درختی می نشیند و پس از اندکی استراحت آنجا را ترک می کند.

انفاق و بخشش پیامبر صلی الله علیه وسلم

بخشش و انفاق پیامبر صلی الله علیه وسلم حد و حدودی نداشت و هرگز چیزی را ذخیره و انبار نمی کرد و چه بسا قرض می گرفت تا آن را به نیازمندان ببخشد و در بخشش از فقر و تنگ دستی نمی هراسید. وقتی که حضرت محمد صلی الله علیه وسلم از دنیا رفت درهم و دیناری نداشت، در این باره هم می فرماید: ارث ما پیامبران به کسی نمی رسد و آنچه بر جای بگذاریم صدقه است. یاران او تعبیر زیبایی از او داشتند می گفتند: (پیامبر از باد وزنده بخشنده تر است).

عدالت و قاطعیت پیامبر صلی الله علیه وسلم در اجرای حق

پیامبر صلی الله علیه وسلم در برابر حق، دوست و خویشاوند نمی شناخت و همه پیش او یکسان بودند و همه در برابر خدا و شریعت مسئول اعمال خود بودند. زنی از قبیله بنی مخزوم که قومی صاحب نسب بودند مرتکب دزدی شد و خبر به پیامبر صلی الله علیه وسلم رسید و آن زن اعتراف کرد، نزدیکانش ترسیدند از اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم او را مجازات کند و رسوا شوند. پیش اسامه پسر زید رفتند - مشهور بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم اسامه رضی الله عنه و پدرش را بسیار دوست دارد - به او گفتند نزد پیامبر برای آن زن شفاعت کند. اسامه در این مورد با پیامبر صحبت کرد پیامبر سخت ناراحت شد و فرمود: آیا برای اجرا نشدن حدی از

حدود خداوند شفاعت می کنی سپس مردم را جمع کرد و برای آنها خطبه‌ای ایراد نمود و فرمود: ای مردم پیش از شما کسانی هلاک شدند به سبب اینکه اگر فرد مشهور و بزرگی از آنان دزدی می کرد او را رها می کردند و اگر ناتوان و ضعیفی مرتکب دزدی میشد، او را مجازات میکردند. قسم به خدا اگر دخترم فاطمه دزدی کرده بود دستش را قطع می کردم.

شجاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم در جنگ ها

اوج این منظر شگفت انگیز در جنگ هنگامی نمایان می شد که ایشان خود فرماندهی جنگ ها را بر عهده می گرفت و در میدان کارزار وارد می شد و مسلمانان را به جنگ در راه خدا و برای پیروزی رسالتی که بر عهده گرفته و بدان ایمان آورده بودند تشویق می کرد.

ایشان هیچ وقت از میدان جنگ و نبرد فرار نکردند. حتی در جنگ احد وقتی که بیشتر مسلمانان شکست خورده بودند، ایشان ثابت قدم همچنان در برابر تیر باران دشمنان ایستاده بود و می جنگید و مبارزه می کرد. در این باره سیدنا علی رضی الله عنه که خود جنگ آوری بی باک بود، می گوید: وقتی که چشم ها به خون می نشستند و آتش جنگ زبانه می کشید ما به رسول خدا صلی الله علیه وسلم پناه می بردیم و هیچکدام از ما نزدیک تر از پیامبر صلی الله علیه وسلم به دشمن نبود.

عشق و علاقه پیامبر صلی الله علیه وسلم به ادای وظیفه و ابلاغ رسالتش

پیامبر از هیچ وسیله‌ای برای تبلیغ رسالتش فرو گذار نکرد و دشمنانش هم از هیچ وسیله‌ای برای بازداشتن ایشان از دعوتش دریغ نکردند، ولی با وجود آن همه نیرنگ و تهدید، همچنان ثابت قدم ایستادگی کرد و به عمویش آن جواب مشهور را داد که: قسم به خدا اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم قرار

دهند که از این دعوت دست بردارم، هرگز رهایش نخواهم کرد تا این که خداوند آن را پیروز گرداند یا در راه آن کشته شوم.

هنگامی که صورت مبارکش در جنگ احد زخمی و دندان مبارکش شکسته شد و به او گفتند چرا آنان را دعا نکردی؟ فرمود: من برای نفرین کردن برانگیخته نشده‌ام بلکه داعی خیر و رحمت هستم و فرمود:

پروردگارا! قومم را بیمارز چون آنان نمی دانند.

در پایان

یاد آوری این نکته لازم است که این ها تنها تصاویری از اخلاق پیامبر صلی الله علیه وسلم است که حقیقت شخصیت ایشان را در آن می بینیم، در مورد دیگر جوانب اخلاقی ایشان از جمله وفاداری، امانتداری، حیا، اخلاص، صداقت، پاکدامنی و سیاستمداری، خوش رفتاری با همسایه و فصاحت و... صحبت نمی کنیم که این ها هم به نوبه خود اثرات فراوانی در راهنمایی و هدایت قومش به سوی خیر و حقیقت و کرامت و سعادت داشتند.

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم کسی است که هر مسلمانی آرزو دارد متصف به اخلاق و پیرو هدایت ایشان باشد و اندکی از صبر، جهاد، زهد، عبادت، فداکاری و ایثار ایشان برخوردار بوده و از خوراک و پوشاک ایشان سرمشقی گرفته باشد. خداوند جل جلاله پیامبرش را با این ستایش بزرگ منزلت بخشیده که: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» [القلم: 4] به راستی که تو دارای خوی بالایی هستی. **بیایید!**

دیوار زمان را بشکافیم تا به آستانه محمد صلی الله علیه وسلم پیامبر انسانیت برسیم و روح زندگی تابناک را در جامعه-ای مملو از فداکاری و مردانگی ببینیم.

